



An Analysis of Women's Attire Inside and Outside the Home and Its Reflection in Qajar-era Paintings

Negar Najibi¹ | Elaheh Panjehbashi²

DOR: 20.1001.1.26454955.1404.20.71.1.7

Abstract

Throughout the prolonged Qajar era, the history of clothing has consistently constituted a segment of Qajar civilization and culture, playing a significant role in Iran's cultural identity. One aspect of scholarly inquiry regarding women's attire during the Qajar period is the study of their clothing both inside and outside the home, as reflected in the paintings of this era. A pivotal issue intertwined with the Islamic culture and identity of this period is the manner of women's dress, which is mirrored in the paintings and photographs of the time. This article aims to examine the types and representations of women's attire outdoors and indoors. The research seeks to elucidate the culture of Iranian women's clothing through the study of surviving textual and visual sources. The primary research question is as follows: In what way was the arrangement of women's clothing structured for indoor and outdoor environments, and which components did it include? The present study adopts a descriptive-analytical method and is qualitative in nature, drawing upon written texts and visual resources. The findings reveal that the structure of women's attire during the Qajar period comprised various components, with extant real-world examples that align with photographic and painted records as visual documents of the era. Iranian women enjoyed freedom and diversity in their indoor attire, whereas outdoor clothing was restricted solely to the chador. According to evidence, Qajar-era Iranian women consistently emphasized the aesthetics of their dress, a phenomenon also evident in the period's paintings and photography.

Keywords: Qajar, woman, attire, clothing, indoor, outdoor, home.

Research Paper

Received:
21 November 2024

Revised:
21 April 2025

Accepted:
05 May 2025

Published:
21 May 2025

P.P: 31-60

ISSN: 2645-4955
E-ISSN: 2645-5269



1. Ph.D. Student in Art Research, Faculty of Art, Alzahra University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Painting Department, Faculty of Art, Alzahra University, Tehran, Iran.
e.panjehbashi@alzahra.ac.ir

Cite this Paper: Najibi'N & Panjehbashi'E.(2025). Analyzing how women dress inside and outside the house and its reflection in the paintings of the Qajar period, The Women and Families Cultural-

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱
صص: ۶۰-۳۱

شابا جایی: ۴۹۵۵-۳۶۴۵
الکترونیکی: ۵۲۶۹-۳۶۴۵



واکاوی چگونگی پوشش زنان در داخل و خارج از منزل و انعکاس آن در آثار نقاشی دوره قاجار

نگار نجیبی^۱ | الهه پنجه‌باشی^۲

چکیده

در دوره طولانی قاجار تاریخ پوشاک همواره بخشی از تاریخ تمدن و فرهنگ قاجار است که سهم مهمی در هویت فرهنگی ایران دارد؛ یکی از جنبه‌های مطالعاتی در زمینه پوشش زنان در دوره قاجار مطالعه لباس آنان در داخل و خارج از منزل است که در تصاویر نقاشی این دوره بازتاب داشته است. یکی از مسائلی مهمی که در این دوره با فرهنگ و هویت اسلامی گره خورده است نحوه پوشش زنان است که در آثار نقاشی و عکاسی این دوره منعکس شده است. هدف از این مقاله بررسی نوع پوشش و بازتابی شیوه پوشش زنان در بیرون از منزل و داخل آن است؛ این پژوهش با هدف معرفی فرهنگ پوشش و لباس زنان ایرانی با مطالعه متون و آثار مرتبط برجای مانده صورت پذیرفته است. سؤال اصلی پژوهش: پیکربندی پوشش زنان در لباس داخل و خارج از منزل چگونه بوده و شامل چه بخش‌هایی بوده است؟ روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی و تحقیق از نوع کیفی است و با توجه به متون نوشتاری و منابع تصویری این امر مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد پیکربندی پوشش زنان در دوره قاجار از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است و نمونه‌های واقعی آن وجود دارد که قابل تطبیق با نمونه‌های عکاسی و نقاشی به عنوان اسناد تصویری این دوره است. زنان ایرانی در بیرون از منزل از آزادی و تنوع پوشش برخوردار بوده ولی در خارج از منزل این پوشش تنها به چادر محدود می‌شده است. زنان ایرانی در دوره قاجار بر اساس شواهد همواره بر زیبایی پوشش خویش تأکید داشته و این امر در هنر نقاشی و عکاسی این دوره نیز نمود پیدا کرده است.

کلیدواژه‌ها: قاجار، زن، پوشش، لباس، داخل، خارج، منزل.

۱- دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشیار گروه نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

Email: e.panjehbashi@alzahra.ac.ir

استناد: نجیبی، نگار؛ پنجه‌باشی، الهه. (۱۴۰۴). واکاوی چگونگی پوشش زنان در داخل و خارج از منزل و انعکاس آن در آثار

نقاشی دوره قاجار، فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، ۶۰-۳۱. DOR: 20.1001.1.26454955.1404.20.71.1.7

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

در مطالعه تاریخ پوشش و لباس زنان در دوره قاجار، تحولات شکل و فرم پوشش زنان در داخل و خارج منزل آنچه مورد توجه است نوع پوشاک و بخش‌های مختلف آن و تنوع پوشش است که با توجه به تحولات اجتماعی ایران در دوره قاجار دستخوش تغییر و تحولاتی گشته است. تغییر و تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی حاکم بر زمانه قاجار سبب بروز افکار تجدد گرایانه و غرب گرایانه و تغییر لباس زنان در این دوره شد. چشمگیرترین تغییرات در زمینه پوشش لباس زنان با الگوبرداری از لباس‌های اروپایی زنان دچار تغییراتی شد. براساس مطالعات تاریخی پوشش حجاب ایرانیان تا قبل از کشف حجاب در دوره پهلوی اول تغییرات اساسی را نداشته و ایرانیان سعی داشته‌اند شیوه پوشش خود متأثر از دوره‌های پیشین ادامه دهند. پوشش زنان ایرانی از این حیث دارای اهمیت است که پیشینه تاریخی و تمدنی آن به هزاران سال گذشته می‌رسد و در دوره قاجار از تنوع و زیبایی خاصی برخوردار است. هدف از این مقاله بررسی نوع پوشش و بازنمایی شیوه پوشش زنان در بیرون از منزل و داخل آن است؛ این پژوهش با هدف معرفی فرهنگ پوشش و لباس زنان ایرانی با مطالعه متون و آثار مرتبط برجای مانده صورت پذیرفته است. سؤال اصلی پژوهش: پیکربندی پوشش زنان در لباس داخل و خارج از منزل چگونه بوده شامل چه بخش‌هایی بوده است؟ ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر در ذکر این مطلب است که با مطالعه و پوشش زنان در دوره قاجار در داخل و خارج و تطبیق آن با آثار هنری نقاشی و عکاسی در این دوره اطلاعات دقیق‌تری درباره فرهنگ پوشش این دوره و بازتاب آن در آثار هنری به دست خواهد آمد.

پیشینه پژوهش

درباره شیوه بازنمایی پوشش زنان در دوره قاجار در داخل و خارج از منزل اطلاعات دقیق و منسجمی در دست نیست ولی پوشش آنان در تصاویر نقاشی و عکاسی به خوبی نمایش داده شده است؛ این موضوع در کتاب و مقالات به صورت‌های متنوعی گردآوری شده اما درباره موضوع

خاص این پژوهش به صورت اختصاصی موردی یافت نشد و بیشتر پژوهش های مورد بحث به موضوعات تاریخی و نوشتار سفرنامه ها بسنده شده و این موضوع در تطبیق با آثار هنری مورد بررسی قرار نگرفته است. برخی از منابع و مقالات و پژوهش های نزدیک به این مقاله به این شرح است. مقالات: سادات شفیعی (۱۴۰۲) در مقاله ای با عنوان «مطالعه جنسیتی باورهای عامیانه در عصر قاجار» به این مهم پرداخته است. علم، دیناری (۱۳۹۸) در مقاله ای با عنوان «بررسی نوع پوشش و حجاب زنان در دوره قاجار با نگاهی به آثار سیاحان خارجی این دوره (از پادشاهی آقا محمدخان تا دوران مظفرالدین شاه)» به پوشش زنان در دوره قاجار پرداخته اند. زاهد زاهدانی، موسوی، روحانی (۱۳۸۹) در مقاله ای با عنوان «بررسی کنش های جمعی زنان ایرانی (مطالعه موردی: زنان در دوره قاجار» به پوشش زنان و تنوع آن در دوره قاجار پرداخته اند. شهشهانی (۱۳۷۴) در مقاله ای با عنوان «تاریخچه ی پوشش سر در ایران» به پوشش در ایران باستان توجه داشته است. کتب: کدیور (۱۳۹۶) در کتاب خود با عنوان «پرده نشینان عهد ناصری» به حجاب زنان در دوره قاجار اشاره کرده است. اتحادیه (۱۳۸۸) در کتاب خود با عنوان «زنانی که در زیر مقنعه کلاه‌داری کردند» به زنان و قدرت و حضور آنان در اجتماع اشاره داشته است. مستوفی (۱۳۸۴) در کتابی با عنوان «شرح زندگانی من یا تاریخ اداری و اجتماعی دوره قاجار» به تاریخ اجتماعی زنان در دوره قاجار به عنوان یک مورخ اشاره داشته است. یارشاطر (۱۳۸۲) در کتابی با عنوان «پوشاک در ایران زمین» به پوشاک ایرانیان تا انتهای دوره قاجار پرداخته است. مهرآبادی (۱۳۷۹) در کتاب خود با عنوان «زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی» به زنان و حجاب آنان اشاره نموده است. کولیور رایس (۱۳۷۰) در کتاب خود با عنوان «زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان» در سفرنامه خود به پوشش زنان اشاراتی داشته است. اورسل (۱۳۵۳) در سفرنامه خود با عنوان «سفرنامه اورسل» به حضور در ایران و مشاهداتش از اجتماع و زنان ایرانی پرداخته است. در مجموع می توان نتیجه گرفت که مقالات و کتب در این زمینه پژوهشی مختصر بوده و علیرغم اهمیت تاریخی و هنری مورد غفلت قرار گرفته و در این پژوهش سعی می شود با بهره گیری از منابع مرتبط و استفاده از نمونه ها موضوعی موجود از این دوره به بررسی علمی و تحلیل این موضوع پرداخته شود. روش شناسی پژوهش

پژوهش مورد مطالعه از نوع کیفی بوده و با رویکرد تاریخی به دوره قاجار و شیوه توصیفی - تحلیلی پوشش زنان در بیرون از منزل و در داخل منزل از پیکربندی متفاوت و بخش های متنوعی برخوردار است. جامعه آماری پژوهش حاضر را متون مرتبط با پوشش زنان در دوره قاجار و اسناد تصویری این دوره تشکیل می دهد.

دلالت های تاریخ اجتماعی زنان در دوره قاجار

زنان در طی قرن ها در منزل فراموشی در اسناد تاریخی، تاریخی قرار داشته اند و این امر تا دوره قاجار نیز ادامه داشته است. این شیوه از تاریخ نویسی ملهم از نگاه شیوه غالب تاریخ نویسی بوده است و از بعد تاریخ نویسی فرهنگی و اجتماعی قابل انتقاد است (حسینی فر، سادات شفیع، ۱۴۰۲: ۲۷۵). دوره قاجار فصل جدیدی در باب حیات اجتماعی زنان ایرانی آغاز شد که نتیجه رشد فکری جامعه در این دوره است که باعث می شود زن ایرانی به عرصه اجتماعی وارد شود (بهشتی سرشت و پرویش، ۱۳۹۴: ۳۲۷). مهم ترین مشکل تاریخی و پژوهشی درباره زنان این دوره کمبود منابع مستقیم و مکفی درباره وضعیت زنان است، گرچه در بسیاری از منابع به طور غیرمستقیم به این موضوع اشاراتی شده است (اتحادیه، ۱۳۸۸: ۲۹). مورخان دوره قاجار را نقطه تغییرات مهمی در تاریخ اجتماعی زنان می دانند که این امر جز عده معدودی از زنان دربار را شامل می شود. حضور زنان در عرصه های اجتماعی این دوره در پرده ای از ابهام قرار دارد (کدیور، ۱۳۹۶: ۱۱). حضور اجتماعی زنان در دوره قاجار معنای مجزایی نداشته است و زندگی زنان در این دوره محدود به مکان هایی همچون حرمسرا، اندرونی و خانه بوده ولی زنان روستایی و عشایر از وضعیت آزادتری برای حضور در اجتماع برخوردار بوده و در فعالیت های کاری و حضور پررنگ تری در اجتماع داشته اند. نگرش اجتماعی، به زنان با تحقیر همراه بوده و شی انگاری زنان و نمودهای جنسیتی آن در نوشته سیاحان و خاطرات آن دوره ملموس است. زنان در این دوره در اجتماع حضور فعالی نداشته و همواره در حاشیه تاریخ بوده اند. در سایه بودن زنان به شیوه های متفاوتی در این دوره بروز می یافته است؛ یکی از شیوه های نام گذاری و خطاب زنان در درون و بیرون از خانه است که در آثار سفرنامه نویسان خارجی با نام مرد به آن اشاره شده است. در قصه های ادبیات عامیانه دوره قاجار «ادبیات مکتب خانه ای» در نام گذاری زنان در قصه ها نیز نوعی

ایدئولوژی جنسیتی دیده می شود (حسین زاوه، زنجانی زاده، ۱۳۹۹: ۱۵۲). پارسونز، نقش های جنسیتی را به دو دسته نقش های ابزاری و نقش های بیانی تقسیم کرده و معتقد است نقش های اجتماعی به ایجاد هویت نقش قصه منجر می گردد (پارسونز، ۱۹۵۴: ۷۸). برجسته کردن زیبایی به وسیله نام گذاری ذهنیت مردانه را متمرکز بر نگاه ابزاری برای لذت جویی زنانه می کند (دوبووار، ۱۳۸۸: ۲۶۱-۲۶۴). نام گذاری داستان ها و شخصیت های داستانی در ادبیات یک دوره تاریخی از معیارهای مهم جامعه شناختی بوده که می تواند نوعی نگرش جنسیتی یا فراجنسیتی در روایان قصه و روایات نشان دهد. وقتی که میزان حضور هر دو جنس از لحاظ کنش و ایفای نقش در داستان به یک اندازه باشد و از نام هر دو شخصیت قصه گرفته شده باشد این امر دیده می شود چنانچه در منظومه های عاشقانه فارسی این تساوی در نام گذاری دیده می شود (حسین زاوه، زنجانی زاده، ۱۳۹۹: ۱۷۰). زنان در دوره قاجار پیش از آن که با سرکوب جنسیتی در سطح جامعه روبرو شده باشند؛ در خانه با آن روبرو شده بودند و تبعیض برحسب جنسیت در این دوره امری عادی بوده است (کسروی، ۱۹۸۴: ۲۶۶). جامعه ایرانی در دوره قاجار کاملاً جنسیتی بوده و تفکیک دنیای مردانه از دنیای زنانه به چشم می خورد، به نحوی که مردها صرفاً با مردها مراد و زنان با زنان مراد داشته و ارتباط با جنس مخالف تحت هیچ شرایطی مجاز نبوده است (اولیویه، ۱۹۹۲: ۸۳). در دوره قاجار همه زنان شهری با چادر و روبنده به رفت و آمد می پرداختند (اورسل، ۲۰۰۳: ۲۶۶). در آن دوره دیدن چهره یک زن تابو بوده و این فرهنگ با چنان شدتی اجرا می شد که حتی در معماری این دوره نیز اثر گذارده بوده است (بنجامین، ۱۹۸۴: ۸۲). زنان دوره قاجار حق سخن گفتن پیش از ازدواج با همسر خویش را نداشته و نمی توانستند او را انتخاب کنند (دالمانی، ۱۳۷۸: ۴۲۴؛ کولیور رایس، ۱۳۸۳: ۷۹). فرهنگ اجتماعی در دوره قاجار به گونه ای بوده که زنان با مردان غریبه حق صحبت نداشته اند (دالمانی، ۱۳۷۸: ۴۲۱). شکل گیری تحولات فکری جدید در میان گروهی از زنان جامعه ایران و برخی دگرگونی ها در موقعیت و نقش سنتی آنان در اجتماع یکی از مهم ترین رویدادهای تاریخ و فرهنگ در ایران است. تحولات فکری و دگرگونی های به وجود آمده در موقعیت و نقش زنان ایرانی دوره قاجار از عوامل متفاوتی ریشه می گرفت (زاهد زاهدانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۹). دوره قاجار تحت تاثیر فضای ارتباطات جهانی و عوامل خارجی و داخلی، تحولات فرهنگی و سیاسی مهمی را طی کرد که در این میان

زنان ایرانی که نیمی از جامعه آن روز را تشکیل می دادند دارای تغییرات و آگاهی شدند (حسینا، ناظم، ۱۳۹۲: ۲۲۰). در این دوره حتی زنانی که در طبقات ممتاز جامعه قرار داشتند و در خانواده های سرشناس و یا اشرافی پرورش یافته بودند ناشناس هستند؛ اگر به زندگی آنان اشاره ای نیز شده است گذرا و ناچیز و در زیر سایه نام پدران یا همسران آنها بوده است (اتحادیه، ۱۳۸۸: ۱۰). رسیدن به تصویری درست از زندگی و وضعیت اجتماعی زنان در تاریخ این دوره، با در نظر داشتن نقش های اجتماعی زنان و الگوهای گذراندن اوقات فراغت آنان ناممکن است (سادات شفیع، ۱۳۹۲: ۲۰۵). در این دوره زنان متأثر از شرایط اجتماعی دوره خویش بودند و در این میان تلفیق های گوناگون اجتماعی در تکوین شخصیت آنان نقش اساسی در برداشت (دلریش، ۱۳۷۶: ۱۰۵-۱۱۱). آنچه به عنوان باورهای عامیانه در زندگی اجتماعی این دوره جاری است در امتداد گذشته نه چندان دور خود معنا می یابد. درک این پیوند ضرورت واکاوی اجتماعی زنان را روشن می سازد و شناختی به مخاطب می دهد که مطالعه تغییرات اجتماعی و ابعاد مختلف آن را آشکار می سازد (سادات شفیع، ۱۴۰۲: ۱۵۴). ضرورت و واکاوی پوشش داخل و خارج زنان در دوره قاجار در دوره معاصر می تواند مارا با نوع پوشش، تغییرات و تحولات متنوع این دوره در پوشش داخلی و خارجی و تزینات آن آشنا سازد. اسناد مصور نقاشی شده، تصاویری قابل استناد از نحوه پوشش زنان در این دوره است که در تطبیق با منابع مکتوب تاریخی، سفرنامه ها و خاطرات سیاحان اروپایی در بازدید از ایران می تواند به این مهم کمک نماید.

پوشش زنان ایران تا قبل از دوره قاجار

فرهنگ و تاریخ پوشاک بخشی از تاریخ تمدن و فرهنگ انسان است و جزیی از فرهنگ مادی به شمار می رود (فاضلیان، ۱۳۸۹: ۶۷). آنچه که از مستندات تاریخی استنباط می شود نموداری از این مطلب است که پوشش زنان ایران ریشه در سنت های ملی، حماسی و باورهای آریایی آنان داشته است. در ایران زمین زن پوشاندن جسم و تن یک زن در برابر مردی که با او هیچ گونه پیوستگی سببی و یا نسبی نداشته از بدیهی ترین وظایف بوده است، مسئله این است که زنان ایرانی هیچ گاه پوشش را از شخصیت فردی و اجتماعی خویش جدا نمی دانستند (آخته، ۱۳۸۷: ۳۴). زن ایرانی؛ در تاریخ اساطیری دارای پوشش و حجاب مشخصی بوده و

آن را در شمار وظایف خود می دانسته است. در ریشه واژه «چوتور» (Chootoor) در زبان پهلوی به این واژه می رسیم که در واقع بیان کننده نوعی پوشاک برای زنان بوده که امروزه با نام چادر شناخته می شود و این پوشش دوره اساطیری از دوره ساسانی مطرح شده است (فرهنگ واژه نامه فارسی میانه (پهلوی)، انتشارات دانشگاه تهران: ۹۴). در تمامی دوره ها و سلسله های تاریخ ایران از دوره عیلامی تا ساسانی پوشش و حجاب برای زنان وجود داشته و موضوع حجاب تنها مختص جامعه زنان بوده بلکه پوشش و حجاب هم برای مردان و هم برای زنان رایج بوده است. در ابتدای پادشاهی عیلام کهن، پوشش به طور نسبی وجود داشته اما در دوره های میانی و جدید این دوره سبک پوشش به مرور دارای تغییراتی شده است. در دوره ماد پوشش کامل برای زنان و مردان قابل مشاهده است (شیخ شاعی، ۱۳۹۶: ۲۳). هرمان در کتاب خود در مورد تجدید حیات هنر و تمدن ایران باستان معتقد است: «پیکره هایی در اندازه های طبیعی از شاهزادگان و خانواده هایشان و... در دوره اشکانی تراشیده شده که به شکل آرام و با وقار با لباس های فاخر و با جواهرات فراوان تزیین شده اند (هرمان، ۱۳۷۳: ۶۸). مطالعات تاریخی حاوی این نکته است که پوشش تمام بدن در دوره های تاریخی مختلف در نزد ایرانیان مرسوم بوده و ایرانیان چه مردان و چه زنان در برهنگی به سر نمی برده و این پوشش را می توان ریشه حجاب امروزی در جهان دانست (راسل، ۱۹۲۹: ۱۳۵)؛ (دورانت، ۱۹۳۹: ۷۸). پوشش زنان ایرانی در دوره قاجار بخصوص در دوره ابتدایی تا حدی متأثر از پوشش زنان در دوره صفوی و زند است ولی با توجه به تغییرات شرایط اجتماعی، حضور بیشتر غریبان در ایران و سفرهای متعدد شاه قاجار به اروپا این مهم دچار تغییراتی گشت.

پوشش و حجاب زنان در دوره قاجار

در دوره قاجار میل به اصلاح و تغییر سبک لباس مردم ایران را نمی توان به خوبی درک نمود جز آنکه به زنجیر حوادث و اصلاحات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن عصر نگاهی دقیق انداخته شود (محمدی و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۹). در این دوره تا زمان محمدشاه مساله حجاب و عفت زنان در غالب کشورها در خارج از منزل در کامل ترین شکل خود (یعنی در قالب چادر، نقاب و روبند) رایج بوده است. اولین انگیزه ای که از این دوره به بعد دشمنان خارجی را متوجه مبارزه با حجاب و عفت در کشورهای اسلامی نمود یافتن بازارهایی مناسب برای فروش تولیدات پوشاک آنها و تغییر پوشش اسلامی بود. آنان برای فروش انواع تولیدات در این کشورها این التزام به چادر و نقاب

را در میان زنان و دختران ایرانی و مسلمان درهم شکستند و سعی نمودند آنان را به تنوع طلبی در امر پوشش؛ خصوصاً از نوع غربی و اروپایی عادت دهند. بعدها آنها متوجه عظمت تاثیر این ارزش های اسلامی در قوام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ممالک متدین و علی الخصوص اسلامی با انگیزه ها و اهداف جامع تر و حساس تری وارد مبارزه با مقدسات گردیدند و خواه با سیاست های تبلیغی-القایی و ترویجی، و خواه با مبارزات علنی در قالب طرح هایی همچون رفع و کشف حجاب به این امر پرداختند (توانا، ۱۳۸۴: ۱۹). یکی از جاسوسان انگلیسی به نام «مستر همفر» که متناسب با همین موضوع در خاورمیانه فعالیت داشت در گزارش خود در این خصوص چنین می نویسد: «درمساله بی حجابی زنان باید کوشش فوق العاده ای به عمل آورد تا زنان مسلمان به بی حجابی و رها کردن چادر مشتاق شوند...». باید با استفاده از شواهد و دلایل تاریخی اثبات کرد که پوشیدگی زن از دوره بنی عباس متداول شده و مطلقاً سنت اسلامی نبوده است» (مذاکرات مستر همفر، الجاسوس البريطاني فی البلاد الاسلامیه، الدكتور ج، خ). در این برهه تاریخی مهم ترین مساله در بخش صنایع اروپا و روسیه صنعت نساجی و تولید پوشاک بوده است، به همین دلیل لباس سنتی ایرانیان و اقتصاد مبتنی بر خودکفایی تهدیدی علیه منافع اروپایی به شمار می آمده است و تغییراتی که در عناصر فرهنگی جامعه ایرانی در پوشش مرد و زن ایجاد شد ضرورتی سیاسی و هدفمند بوده است (شوستر، ۱۳۶۸: ۹۹). دکتر ویلز در کتاب خود به وضعیت اجتماعی و پوشش در دوره قاجار پرداخته است و چنین بیان می کند «وقتی دین درکنار تغییر لباس اروپایی قرار می گیرد، رابطه مستقیم دین و تغییر و یا عدم تغییر لباس پایدار شده؛ هرچند شخص شاه نیز چندان موافقتی با دین؛ مجتهدان و علمای اسلامی ندارد» (ویلز، ۱۳۶۸: ۶۸). درتصاویر به جای مانده از دوره قاجار بیشتر گزارش ها حاکی از سعی ناصرالدین شاه پس از سفر به اروپا و تغییر فرهنگ او برای تغییر پوشش زنان دربار بوده و پیروی ازمد اروپایی بوده است (محمدی و دیگران: ۱۳۹۹: ۵۶). در سایه امنیت سیاسی ایران در دوره صفوی؛ زمینه حضور جهانگردان و سیاحان مختلف از سرتاسر جهان در ایران فراهم آمد که تعدادی از آنان سفرنامه های مکتوب و ارزشمند که از خود به یادگار گذاشته اند؛ این آثار مکتوب فرصت بررسی های پژوهشی و تحقیقاتی ارزشمندی را برای پژوهشگران در زمینه زنان را ایجاد کرده که امروزه به عنوان تنها اسناد ما از این دوره به جای مانده است. از میان این آثار مکتوب می توان به وضعیت پوشش زنان ایرانی و سیر

تحول حجاب در این دوره پی برد. ژان شاردن یکی از سیاحان حین بازدید از ایران در سفرنامه خود به زنان ونحوه پوشش آنان اشاره ای داشته است: «...زنان سرخود را کاملاً می پوشانند و روی آن پارچه ای می اندازند که روی شانه هایشان می افتد؛ از جلو گردن؛ گلو و سینه هایشان را می پوشانند (مقنعه) و آن گاه که آهنگ بیرون رفتن می کنند با چادرسفید سراسر اندام خود را از سرتا پا می پوشانند و رویشان را چنان زیرنقاب پنهان می دارند که جز مردمک چشمان آنان چیزی دیده نمی شود» (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۰۷).

پوشش زنان در داخل منزل در دوره قاجار

از ابتدای دوره قاجار، زنان به رسم کهن به جای مانده از عصر صفوی روی پیراهن، ارخالق بر تن می کردند. ارخالق، کتی بود که نیمی از بدن را می پوشانید و با آنکه برخی از آنها در جلو دکمه داشت اغلب برای جلوه کردن پیراهن زیر و گردن بندها آنها را نمی بستند. (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۰) ارخالق تا حدود کمر گاه بود. با آستین هایی تا آرنج یا بلند به انضمام سنبوسه یا فارغ از آن تهیه می شد، برای دوخت ارخالق، انواع پارچه های گران بها به ویژه مخمل محبوب بود (ویلز، ۱۳۸۸: ۱۵۹).



تصویر ۱. نام اثر: زنان دوره قاجار در اندرونی دور سماور، هنرمند: اسماعیل جلایر، مکان: تهران، زمان: اواسط قرن ۱۹ م، تکنیک: رنگ و روغن روی بوم، ابعاد: ۱۹۵ × ۸/۱۴۳ سانتی متر، محل نگهداری: موزه ویکتوریا و آلبرت لندن شماره ۱۹۴ - (Diba & Ekhtiar, 1998: 261). P56

یعنی ارخالق، نیم تنه ای ضخیم و معمولاً لایه دار بود که روی پیراهن پوشیده می شد. (رایس، ۱۳۸۳: ۱۱۵) از دیگر عوامل موثر بر تغییر پوشاک در این دوره به پیروی از مادر ناصرالدین شاه بود، وی در تغییر و انتقال مدهای جدید لباس اروپایی به حرمسرای زنان دوره قاجار نقش موثری داشت. ناصرالدین شاه که گویا از تصاویر نمایش باله در اروپا پس از سفرهای خویش الهام گرفته بود لباس زنان در دربار خویش را تغییر داد و به این ترتیب شلیته، دامن کوتاه، در محافل زنانه رایج و حتی بیشتر از نمونه های اروپایی هم روز به روز هم کوتاه تر شده است (سرنا، ۱۳۶۲: ۹۸).



تصویر ۲-۳. دو نمونه ارخالق از دوره قاجار، لباس زنان، منقوش با زری دوزی و حاشیه دوزی طلا.

www.iranicaonline.org

دوستعلی خان معیرالممالک در یادداشت هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه بحث تغییر لباس زنان را به خوبی شرح داده و می نویسد: «در آن وقت مد از اندرونی بیرون می آمد و زن های شهر به هم پیوسته چشم به آنجا داشتند تا از میان چه ترواش کند و آن ها پیروی نمایند؛ چارقد ها معمولاً از زری و گارش (نوعی کفش) و... بود؛ چارقد قالبی را در اندرون اختراع نمودند؛ این نوع چادر بدین معنی بود که بعضی از زن ها با زحمت فراوان چارقد ها را با آدابی مخصوص با نشاسته قالبی می کردند و انواع آن را آفتاب گردانی می نامیدند که این عمل کار هر کسی نبود؛ بلکه برخی در این فن متخصص بودند و دیگران به او رجوع می کردند. تنبان ها کوتاه تا سر زانو نمی رسید و بسیار گشاد و پرچین بوده و گاهی در آن فتر و گاهی به آن آهار می زدند تا چین ها به زیبایی بایستد. دور تنبان ها را کمرندهایی با یراق زیبا می دوختند و هنگامی که خانم ها به دنبال شاه حرکت می کردند، تنبان آن ها به طرز خوشی حرکت می کرد. آن وقت ها در ایران

جوراب بلند مد نبوده و جوراب ها تا ساق پا می آمد و خانم های شیک از گالش استفاده می کردند. در این اواخر تاجر فرانسوی به نام مسیو پیلو با زنش به تهران آمد و چیزهای تازه ای را با خود آورد که مد در اندرون با آوردن اشیا جدید تغییر کرد برای مثال شلوارهای کشی جای جوراب های کوتاه و کفش های چرمی جای ارسی ها را گرفت» (معیر الممالک، ۱۳۹۰: ۴۵-۴۴).



تصویر ۴-۵. مجموعه پنج زن قاجار، هنرمند: نامشخص، آبرنگ روی کاغذ، قرن ۱۹، ابعاد: ۱۱×۳۳ سانتی متر،

فروخته شده در خارج چیس ویک به شماره lot46، فروخته شده به مجموعه خصوصی در اروپا.

www.chiswickauctions.co.uk

تصویر ۶. زن رقصنده با قاشقک موسیقی، هنرمند ناشناخته، ایران، اوایل قرن ۱۹، رنگ و روغن روی بوم، ۹۰×

۱۵۸ سانتی متر، موزه ارمنیاز، سن پترزبورگ، به شماره IIII - VR. «

(Diba& Ekhtiar, 1998:263).

روی چاقچور، چادر سر می کردند و سبک ظاهر چادر زنان شهری، متحدالشکل اما کیفیت آن تاحد بسیاری متفاوت بود. چادر از یک قطعه پارچه سیاه رنگ بلند دوخته می شد که گشاد بود و از سر تا نزدیکی قوزک پا را می پوشاند. اما درباره کفش آنکه زنان در دوره اول از ساغری های نوک برگشته به رنگ های سبز، آبی و قرمز به عنوان کفش استفاده می کردند که پاشنه دار و البته ناراحت بود. در دوره بعدی کفش هایسیاه و براق چرمی اروپایی موسوم به قونداره متداول شد که با قالب پا تناسب بیشتری داشت و راحت تر می نمود (غیبی، ۱۳۸۵:

(۶۰۴). درباره لباس در اندرونی خانه، در هر دو دوره معمولاً از پیراهن نازك كتان یا ابریشمی استفاده می شد. (تانكوانی، ۱۳۸۳: ۲۳۶). تصاویر ۴-۵ دو تصویر نقاشی شده روی آبرنگ از دوره ابتدایی قاجار است که در تفاوت با تصاویر ۷-۸ که آنها نیز مشخصاً مربوط به دوره ناصری قاجار است تفاوت نوع پوشش مشخص می شود. لباس زنان کوتاه و چند لایه بودن آن کاسته شده است.



تصویر ۷. راست: زنان در داخل منزل، زن در حال نواختن سه تار، هنرمند: نامشخص، زمان: آخر قرن ۱۹م، تکنیک: آبرنگ روی کاغذ، ابعاد: ۲۰۰ × ۱۲۰ میلی متر، شماره موزه ای: Lot48

www.bonhams.com

تصویر ۸. چپ: زنان در داخل منزل، زن در حال نواختن دف، هنرمند: نامشخص، زمان: آخر قرن ۱۹م، تکنیک: آبرنگ روی کاغذ، ابعاد: ۲۰۰ × ۱۲۰ میلی متر، شماره موزه ای: Lot48

www.bonhams.com

در دوره ناصرالدین شاه به واسطه سفرهای سه گانه شاه و درباریان تغییراتی در نوع پوشش زنان حرمسرا در تهران به وجود آمد؛ از جمله این تغییرات می توان به لباس های کوتاه به تقلید از غرب، شلوارهای چسبان و نازك؛ دامن هایی کوتاه که روی آن را می پوشاند و شلیته های کوتاه و روسری های سفید اشاره کرد (علم، ۱۳۹۸: ۸۷). مقارن با مد شدن دامن های کوتاه، استفاده از چادر گل دار یا چهارخانه در منزل نیز رواج گرفت که به وقت لزوم در منزل به سر یا دور اندام پیچیده می شد (بیشوپ، ۱۳۷۵: ۸۸).



تصویر ۹. راست: زنان در داخل منزل، زن در حال پذیرایی، قدی، هنرمند: نامشخص، زمان: آخر قرن ۱۹م، تکنیک:

آبرنگ روی کاغذ، ابعاد: ۲۰۰ × ۱۲۰ میلی متر، شماره موزه ای: Lot48

www.bonhams.com

تصویر ۱۰. چپ: زنان در داخل منزل، زن در حال بچه داری، هنرمند: نامشخص، زمان: آخر قرن ۱۹م، تکنیک: آبرنگ

روی کاغذ، ابعاد: ۲۰۰ × ۱۲۰ میلی متر، شماره موزه ای: Lot48

www.bonhams.com

ذکا در این باره معتقد است: «زمانی که ناصرالدین شاه در تماشاخانه گاولین سن پترزبورگ بالرین ها را با شلوار کشبافت چسبان و نازک زیر جامه چتری کوتاه به عرض چند و جب روی آن مشاهده کرد سخت مصمم شد که زنان حرمسرا را به این پوشش وا دارد و چون عموماً اولین تغییرات کلی لباس از اندرونی شروع و به عوام سرایت می کرد از این رو ابتدا زنان اشراف و اعیان و سپس زنان عوام به این پوشش روی آوردند (ذکا، ۱۳۳۶: ۲۲). دامن های بلند زنان درباری در اندرون تبدیل به دامن های کوتاه و چتری شد. شلیته (دامن های کوتاه) زیر دامن های چند لایه با پاهای لخت یا جوراب سفید پوشیده می شد و دامن ها بعد از سفر ناصرالدین شاه به اروپا بسیار کوتاه شد. به همراه پیراهن یقه باز نازک و کوتاهی به همراه روسری ساده سفید پوشیده می شد (پارشاطر، ۱۳۸۲: ۲۲۵). «مادام دیولافوا» در ارتباط با حجاب زنان در زمان حضور در دربار قاجار می نویسد: «... که چهارقدی ابریشمی و سفید که با سنجاق زیر گلو بسته می شود و پیراهن نازکی که در جلو آن چاک داشته و تنبانی که ممکن است از جنس ابریشم بنارس باشد و تا زانو

■ واکاوی چگونگی پوشش زنان در داخل و خارج از منزل و انعکاس آن در آثار نقاشی دوره قاجار

می رسد را در برمی کنند و تنها زنان مسن تنبان های بلند از جنس متقال و چلووار سفید می پوشند (دیولافوا، ۱۳۶۱: ۱۹۲). پیکر بندی لباس داخل منزل زنان قاجار در جدول ۱ خلاصه می شود.

جدول ۱. تفکیک در پوشش درون منزل زنان در دوره قاجار . منبع: نگارنده.

چارقده	تنبان، پیراهن	ارخالق	جوراب
			
			
			
	دوره ناصری دوره ابتدایی قاجار	تنبان https://silo.tips.com www.qajarwomen.org	

	 https://silo.tips.com      https://silo.tips.com		
--	---	--	--

پوشش زنان در بیرون از منزل در دوره قاجار

در دوره آقا محمدخان دوره ابتدایی قاجار که آغاز بحث ما است اولیویه در ارتباط با نوع پوشش بانوان در بیرون از منزل و چادر آنان می نویسند: «زنان چون از خانه بیرون می روند خود را در چادری می پیچند؛ گیسوان خود را بافته و به عقب ارسال می کنند؛ زلف ها را کوتاه بریده و در پیشانی چنبر می کنند و در بناگوش تا به ساحت روی فرود آورند» (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۵۶-۱۵۷). در دوره قاجار در بین قشر متوسط جامعه تعصبات مذهبی افزون بوده و پوشش ظاهری زنان به صورت مقید با حجاب عجین گردیده بود و چون پوشش کلی زنان در این دوره در بیرون از منزل

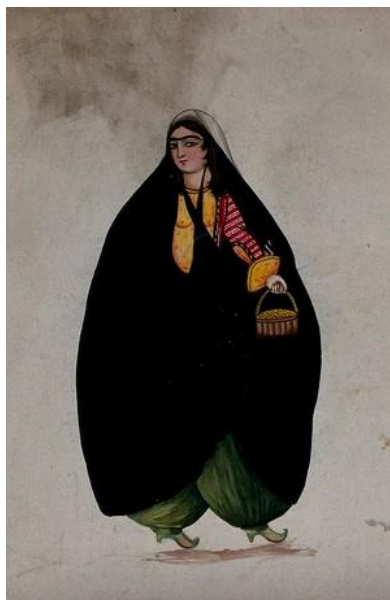
تنها چادر بوده که در تهیه آن زنان ایرانی سلیقه به خرج داده و انواع مختلفی از آن را برای خود ایجاد کرده بودند که عبارت بوده از: چادر نماز چیت؛ کرباس؛ مخمل؛ اطلس و یا چادر کرباس چهارخانه به رنگ های آبی و قهوه ای که آن را چادر شب هم می گفته اند این مورد در روستاها مورد استفاده بوده است و تا زمان حاضر نیز کاربرد دارد. در این دوره چادر سیاه یا بنفش ریشه دار یا ابریشمی که در یزد بافته می شده از نوع بسیار بادوام بوده و زنان درباری و اشراف قاجار در حاشیه اطراف این چادرهای سیاه را با گلابتون دوزی طلایی و حاشیه های نقره ای تزئین می نموده اند که بعدها این کار منسوخ و جای خود را به حاشیه سرخود به رنگ های آبی؛ قهوه ای و سفید به عرض دو انگشت در اطراف چادر مشکی داد (شهشانی، ۱۳۷۴: ۱۷۱).



تصویر ۱۱. راست: چادر زنان در دوره قاجار، روینده سفید. <http://fararu.com/fa/news>

تصویر ۱۲. چپ: چادر کامل زنان در دوره قاجار، حاشیه دوزی شده با نوار نقره. <http://fararu.com/fa/news>

پوشاک بیرونی بانوان دربار قاجار به صورت سنتی به این صورت بود که آنها کل بدن خود را با چادرهایی تیره می پوشاندند. «پوشش کلی زنان تا قبل از سفر ناصرالدین شاه چادر بود؛ چادر درجنس های متفاوت مانند چیت و کرباس و مخمل که به آن چادر نماز هم اطلاق می شد و یا چادرهای آبی قهوه ای چهارخانه که آن را چادر شب می نامیدند مورد استفاده قرار می گرفت (غیبی، ۱۳۸۵: ۵۹۸).



تصویر ۱۳. زن در دوره قاجار، با چادر و روبنده، هنرمند ناشناس، گواش روی کاغذ 11 x 15.5 cm، شماره موزه

ای: 582682i. <https://wellcomecollection.org>

انواع دیگر چادر سیاه از جنس مرغوب و بادوام معمول بود که گویا نسل به نسل هم به ارث می رسید. «چادر سیاه یا بنفش ریشه دار پنبه ای یا ابریشمی در شهر یزد تهیه می شد و بسیار با دوام بوده است. زنان دربار؛ اطراف چادر را مزین به گلابتون و نوار نقره ای می کردند و نیز بندی در قسمت سر یا کمر چادر می دوختند تا چادر از روی بدن سر نخورد (ذکا، ۱۳۳۶: ۳۱). روبنده نیز ارکان پوشش زن درباری قاجار در بیرون از منزل بود که در واقع کامل کننده حجاب زنان به حساب می آمده است. دالمانی در مورد روبنده می نویسد: «روبنده عبارت بود از پارچه سفید کتان تقریباً به ابعاد صورت و کمی بلندتر، در قسمت چشم ها، روبنده مشبک می شد و با یک قلاب طلایی و جواهر نشان در پشت سر نگاه داشته می شد» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۴۱۵). با توجه به تصویر ۱۳ مشخص می شود که این چادر از نوع چادرهای بندی و مربوط به زنانی بوده که برای طبقه متوسط و کار کردن در دوره گردن انداخته می شده است که در تصویر ۱۳ مشخص است.



تصویر ۱۴. زن در دوره قاجار، با چادر و روبنده، هنرمند ناشناس، گواش روی کاغذ T شماره موزه ای: 582684i. <https://wellcomecollection.org>

زنان در هر مقام و منزلت اجتماعی در دوره قاجار در بیرون از منزل چادرهایی به رنگ سرمه ای تند، شلوارهای گشاد از چلوار سبز؛ بنفش؛ خاکستری؛ قرمز می پوشیدند (سرنا، ۱۳۶۲: ۷۴). زنان ایرانی همراه با دامن های کوتاه عصر ناصری، شلوارهای بلند و تنگ سیاه یا سفید به پا می کردند. (رایس، ۱۳۸۳: ۱۱۷). در دوره اول حکومت قاجاریان، در عین حال که همه زنان ایرانی حتماً شلوار به پا داشتند، این پوشش یعنی شلوار به ندرت از زیر دامن بلند ایشان به چشم می خورد زیرا در آن دوران که هنوز سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا و ابداعات حرم خانه شکل نگرفته بود، زنان دامن های گشاد و پرچین با حاشیه یراق دوزی می پوشیدند. (ذکاء، ۱۳۳۶: ۳۶).



تصویر ۱۵. زن در دوره قاجار با چادر و روبنده، هنرمند ناشناس، آبرنگ روی کاغذ. شماره موزه ای: <https://www.britishmuseum.org> 2006,0314,0.22

از لباس های بیرونی که پوشش پاها را کامل می کرد چاقچور بود؛ چاقچور به مانند جوراب شلواری چین دار و گشادی بود که از کمر تا به انگشتان پا را پوشش داده و شلیته را در خود جای می داد.» دولنگه چاقچور از هم باز بوده و در بالای زانو با بندی محکم می شده است و یا به صورت مثلثی وسط دو لنگه را نمی دوختند (غیبی، ۱۳۸۵: ۶۰۴). عبدالله مستوفی در این باره معتقد است: «در هزار و سیصد که من در نظر دارم زیرجامه خانم های شیک و جوان از پشت قدم ها تا سر زانو ها بالا رفته بود و زن های مسن تر، زیرجامه را قدری بلندتر می پوشیدند. سیر تغییر شلوار بعد از سفر ناصرالدین شاه به سرعت پذیرفته شد و شلووارهای سفید و چسبان به همراه دامن های سفید و چتری کوتاه، سوغات ناصرالدین شاه از سفر فرنگ بود. کلیجه یا چاپکین های دوره قبل همچنان رایج بود و بنا بر اعتقاد عبدالله مستوفی در برودت هوا و در زمستان مورد استفاده قرار می گرفت (مستوفی، ۱۳۸۴: ۵۱۰). بعد از سوغات ناصرالدین شاه از فرنگ پیراهن بلند که زنان ارمنی می دوختند رایج شد. زن های عادی علاوه بر چادرسیاه چاقچور می پوشیدند ولی متجددین آن را به نیم چاقچور تبدیل کردند (همدانی، ۱۳۵۴: ۴۵۵-۴۵۶). از آنجایی که سبک و سیاق درباریان همواره مورد تقلید عوام زنان قرار می گرفت نشان می دهد غربیان با هدف فروش اجناس و کالاهای خود در روند تحول عظیم اقتصادی کارخانه های نساجی خود به مقبول نمایاندن فرهنگ و پوشش غربی در دربار ایران اهتمام ورزیدند؛ زیرا مد لباس خانم ها همیشه از اندرون شاه به بیرون جامعه راه می یافت و سپس در بین عوام رواج پیدا می کرد (مستوفی، ۱۳۸۴: ۵۱۰).



تصویر ۱۶. زن در دوره قاجار با چادر و روبنده، هنرمند ناشناس، آبرنگ روی کاغذ. <https://www.bonhams.com>

ارتباط زنان حرمسرا با همسران اروپاییانی که در ایران بودند مانند گشودن افق های جدیدی برایشان در پوشش و ظاهر بود (پارسا، ۱۳۷۷: ۷۵). زنان در نگاه اول مجذوب پوشش زنان غربی حاضر در حرمسرای شاهی شدند؛ کولیور رایس در سفرنامه اش در این زمینه اشاره داشته است: «زنان حرمسرا لباس هایش را مورد استفاده قرار داده و از این امر ذوق زده بوده اند» (مهرآبادی، ۱۳۷۹: ۴۸۲). تن پوش بیرونی اصلی بانوان در این دوره شامل چادر و چاقچور بوده است؛ این دو نوع پوشش از ابتدای دوره قاجار و در وضعیت سنتی و همچنین دوره گذار برقرار بوده است. در دوره تجدد تنها بانوان مسن و معتقد به حجاب سنتی از آن استفاده می کرده اند (باذری، طیبی، ۱۳۹۶: ۲۷).



تصویر ۱۷. هنرمند: منسوب به محمد، سال: حدود زمانی ۱۸۴۵ م، عنوان: زنی با چادر، تکنیک: رنگ روغن روی بوم، ابعاد: ۱۴۵×۸۱ سانتی متر، محل نگهداری: مجموعه هاشم خسروانی قاجار. (Diba and Ekhtiar, 1998: 227).

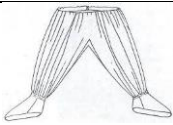
کنت دوسرسی که در زمان محمدشاه قاجار به ایران مسافرت کرده بود در ورود به شهر قزوین به تعداد زیادی از زنان اشاره می کند که همگی چادر سیاه به سر داشته اند (دوسرسی، ۱۳۶۲:

(۱۳۵). زنان حرمسرای شاه هنگام بیرون رفتن از حرم، نظیر کلیه زن های ایرانی سر و صورت خود را زیر چادر و روبنده می پوشانیدند (کرزن، ۱۳۶۳: ۵۳۷). در دوره ناصرالدین شاه زنان به هنگام گشت و گذار و خرید در بازار، خود را کاملاً در پوشش ضخیم فرو می بردند؛ این پوشش از نوک پا تا سر را فرا می گرفته است و شامل این بخش ها است: «یک چادر بلند که تمام بدن را در برگرفته و روبنده ای که به شکل پوشش کتانی سفید رنگ آن را روی چادر به سر می کنند تا تمام صورت را بپوشاند؛ در جلوی دریچه شبکه ای است که برای دیدن و نفس کشیدن زنان تعبیه شده است. پس از آن چاقچور است که آن را به جای چکمه و شلوار به پا می کنند و پیراهن و زیرپوش خود را در آن جای می دهند و بالاخره کفش های تنگ و راحتی است که به زحمت نیمی از کف پا را در بر می گیرد (شیل، ۱۳۶۸: ۶۴-۶۳). دوگویی در سفرنامه خود در مورد پوشش بیرون از منزل زنان می نویسد: «به هنگام رفتن به زیارت همه زنان چنان به دقت حجاب بر سردارند و پوشش خارجی شان شبیه به یکدیگر است که امکان ندارد نافذترین چشم ها بتواند آنها را تشخیص دهد» (دوگویی، ۱۳۸۳: ۳۱۲-۳۱۳). او همچنین به این موارد نیز اشاره دارد «زنان همه به طور یکسان خودشان را در چادرهای وال، چیت، به ندرت ابریشمی به رنگ آبی تیره پیچیده اند و از جلو تا روی زمین می افتد و محکم پوشانیده اند و حدس چهره هایشان غیر ممکن است. قسمت جلوی چشمانشان قلاب دوزی شده تا بتوانند نفس بکشند. زیر این حجاب تیره که چادر نامیده می شود و مخصوصاً برای پوشاندن سر تا قوزک پای زنان طراحی شده است یک شلوار گشاد همچون دامن می پوشند (دوگویی، ۱۳۶۷: ۴۰۴). روبنده از جنس پارچه کتانی ظریفته می شد که از بالای پیشانی تا زانو می رسید. چاقچور هم شلوار کف دار، بلند و گشادی بود که روی شلیته و تنبان پوشیده می شد. زنان به صورت معمول، رنگ چاقچور را بنفش، آبی تند و کبود انتخاب می کردند و زنان سیده چاقچور سبز می پوشیدند ولی چاقچور سیاه مجلل تر محسوب می شد. (ذکاء، ۱۳۳۶: ۳۱). زن ایرانی در بیرون از منزل حتی گوشه چشمی به نامحرمان نشان نمی دهد؛ تا آنجا که در راه رفتن صحبت و نگاه هم عفت و نجابت خویش را دارد و هرگز حاضر به تنزل کردن از مقام قابل احترام خود نمی گردند (ویلز، ۱۳۶۸: ۳۶۵-۳۶۶). یوشیدا ماساهارو، سفیر ژاپن در دربار ناصرالدین شاه در این باره می نویسد: «زن ها چادر به سر می کنند که از سر تا پایشان را می پوشاند و فقط چشم ها از پشت روبند توری که از زیرچادر به صورت انداخته اند پنجره ای به بیرون

داشت. درخیابان به زن های ایرانی که می رسیدیم آنها چشم از ما برمی گرداندند و رویشان را سفت می گرفتند. در چند ماهی که ما اینجا بودیم هرگز زنی رویش را به ما نشان نداد و نتوانستیم صورت زن ها را بی حجاب و چادر ببینیم» (ماساهارو، ۱۳۷۳: ۷۶). وقتی چاقچور یا شلوار گشاد و بلند و کف دار زنانه که در کوچه و بازار به پا می شود نو است به رنگ های آبی روشن، سبز، بنفش مایل به ارغوانی سیر، بی رنگ و یا سیاه است اما انواع رنگی آن به سرعت کهنه می شود و رنگ می بازد و قابل پوشیدن نیست؛ چاقچور در قسمت کف پا تنگ می شود و پاچه های شلوار جمع شده و در آن جای می گیرد (کولیور رایس، ۱۳۶۶: ۱۲۴-۱۲۵)؛ (البته پوشش سبز مخصوص سادات بوده است). دروویل نیز در این باره می نویسد: «زنان به هنگام خروج از خانه خود را در چادرهایی می پوشانند، چادر از قماش نخی سفید دوخته شده و دامن آن گرد است. صورت را با پارچه ای به نام روبند می پوشانند؛ روبند پارچه ای نخی چهارگوشی است که با دو قلاب کوچک در بالای پیشانی به دستار می چسبد. در میان روبند شکاف افقی درازی باز کرده و آن را توری دوزی می کنند؛ زنان به هنگام خروج از خانه چکمه های پارچه ای بندی که تابالای زانو می رسد به پا دارند. چکمه های مزبور به وسیله بند جوراب هایی نگه داشته می شوند» (دروویل، ۱۳۴۸: ۶۴-۶۵). اولیویه نیز در سفرنامه خود در مورد پوشش زنان در بیرون از خانه می نویسد: «زنان در بیرون از خانه خود را در چادر می پیچند، عصابه (سربند و دستار) و کرزن (گرزن) نیم تاجی که از دیبا باشد و اکالیل (سربند و تاج) بر حسب شان و شوکت و ثروت متفاوت به سر دارند؛ چارقدی که برای پوشانیدن سر است؛ استعمال می نمایند که به چندین صورت مختلف و گوناگون به کار برده می شود و به پشت شانه افکنده می شود و یا در زیر گلو سنجاق می کنند یا به دور حلق می پیچند یا دور سر می گردانند» (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۵۶). پیکر بندی لباس داخل منزل زنان قاجار در جدول ۲ خلاصه می شود.

جدول ۲. تفکیک، چادر، چاقچور، روبنده و قنداره در پوشش بیرونی زنان در دوره قاجار. منبع: نگارنده.

چادر	چاقچور	روبنده	قنداره
------	--------	--------	--------

 قنداره  قنداره  گالش			
 www.qajarwomen.org	 https://silo.tips.com طرح خطی چاقچور	 https://silo.tips.com	 https://silo.tips.com نمونه چاقچور پشت و جلو

نتیجه گیری

پوشش زنان در دوره قاجار دچار دگرگونی و تغییراتی در پی تغییرات فرهنگی؛ اجتماعی؛ قرار می گیرد و ویژگی های فرهنگی زنان و وضعیت پوشش آنان را دچار تغییر می کند. با توجه به سیر تطور و تکوین این عنصر چادر در بین پوشش زنان ایرانی از عصر هخامنشی تا به عصر حاضر می توان ادعا کرد که چادر یک پوشش ملی ایرانی بوده که حتی از کشور ما و فرهنگ ما به سرزمین های دیگر رفته و به هیچ عنوان عنصری وارداتی محسوب نمی شود و در دوره قاجار پوشش اصلی زنان به هنگام ترک منزل چادر بوده است. پوشش انعکاس یافته زنان در تصاویر نقاشی و عکاسی در دوره قاجار، نشان دهنده تنوع پوشش زنان و استفاده از تزیینات و رنگ بندی متنوع است ولی

در خارج از منزل تمام این موارد حذف شده و به چادر و روبنده محدود شده است. حجاب زنان در بیرون از منزل چادر بوده که با چاقچور و روبنده سفید (برقه) کامل می شده است. در داخل منزل زنان برای پوشش محدودیتی نداشته و در دوره ابتدایی قاجار با دامن بلند، ارخالق، تزیین می شده است ولی در دوره ناصری متأثر از شرایط و تغییرات اجتماعی و فرهنگی این دوره نوع پوشش تغییر و به دامن کوتاه چیندار، ارخالق، چارقد و جوراب تغییر پیدا می کند. تصویرهای نقاشی به جای مانده از دوره قاجار بازنمای آشکاری از نحوه پوشش زنان در این دوره متأثر از پوشش زنان در خروج از منزل و حضور در اجتماع در این دوره تاریخی است. با نگاهی عمیق به این تصاویر نقاشی شده به عنوان اسناد مصور تاریخی متأثر از مولفه های فرهنگی اجتماعی دوره قاجار مشاهده می شود که پوشش زنان از لحاظ تاریخی در دوره قاجار انواع متنوعی در داخل و خارج از منزل داشته است. جایگاه اجتماعی پوشش و چادر در دوره قاجار با هدف و مقصود پوشاندن صورت و بدن تا حد ممکن انجام می شد و این نقاشی ها از زنان دوره قاجار آیینه ای تمام نمایی از نحوه پوشش زنان در دوره قاجار را در اختیار ما قرار می دهد. نوع پوشش زنان می تواند پوشش اجتماعی زنان قاجار را نشان دهد و وقار و جایگاه والای آن را نشان می دهد.

فهرست منابع

- آخته، قاسم. (۱۳۸۷). ماهنامه فروهر، ش ۴۳۰-۴۲۹، ص ۴۱.
- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره. (۱۳۷۷) زن در جامعه قاجار، کلک، ش ۵۵-۵۶، ص: ۲۷-۵۰.
- اولیویه، (۱۳۷۱). سفرنامه اولیویه، ترجمه: محمد طاهر میرزا و غلامرضا ورهام، تهران: اطلاعات.
- اتحادیه، منصوره. (۱۳۸۸). زنانی که در زیر مقتعه کلاهداری کردند، تهران: نشر تاریخ ایران.
- اورسل، ارنست. (۱۳۵۳). سفرنامه اورسل، ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- اباذری، مانا، طیب، حبیب الله. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی پوشاک بانوان قاجار قبل و بعد از سفر ناصر الدین شاه به فرنگ (مطالعه موردی: لبس سنتی و تجدد بانوان)، مجله پژوهش هنر، سال ۷، ش ۱۳، ص ۱۵-۳۰.
- بروگش، هنریش. (۱۳۶۸). سفری به دربار سلطان صاحبقرانی، ترجمه: محمد حسین کردبچه.
- بهشتی سرشت، محسن، پرویش، محسن. (۱۳۹۴). بررسی مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در مطبوعات قاجار با تاکید بر نشریه بانوان، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۷، ش ۳، ص ۳۲۷-۳۴۱.
- بنجامین، ساموئل. (۱۳۶۳). ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه، خاطرات نخستین سفیر ایالات متحده آمریکا در ایران، ترجمه: محمد حسین کردبچه، تهران: جاویدان.
- بیشوپ، ایزابلا. (۱۳۷۵). از بیستون تا زرکوه بختیاری. ترجمه مهراپ امیری. چاپ اول. تهران: سپند.
- بنجامین، ساموئل گرین ویلز. (۱۳۶۳). ایران و ایرانیان، خاطرات و سفرنامه بنجامین، تهران: آفتاب.
- پارسا، طیب. (۱۳۷۷). پوشش زنان در گستره تاریخ، قم: احسن الحديث.
- پنجه باشی، الهه. (۱۴۰۳). خوانش آیکونولوژیک شخصیت لیلی در نقاشی های لیلی و مجنون باتوجه به دلالت های اجتماعی دوره قاجار ازمنظر اروین پانوفسکی (۱۸۹۲-۱۹۶۸ م). پژوهش نامه زنان، ۱۵ (۴۷)، ۱-۳۸.
- توانا، مرادعلی. (۱۳۸۴). زن در تاریخ معاصر ایران، تهران: برگ زیتون.
- تانکوانی، ژی. ام. (۱۳۸۳). نامه هایی درباره ایران و ترکیه آسیا. ترجمه علی اصغر سعیدی. چاپ اول. تهران: چشمه.
- دیولافوا، جان. (۱۳۶۱). سفرنامه دیولافوا، ترجمه: همایون، تهران: خیام.
- دورانت، ویلیامز. (۱۳۷۶). تاریخ تمدن، جلد اول، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- درویل، گاسپار. (۱۳۴۸). سفرنامه درویل، ترجمه: جواد محبی، تهران: گوتنبرگ.
- دالمانی، هنری رنه. (۱۳۷۸). از خراسان تا بختیاری ترجمه غلامرضا سعیدی، تهران: طاووس.
- دلریش، بشری. (۱۳۷۶). زن در دوره قاجار، دفتر مطالعات دینی هنر.
- دوبوار، سیمون. (۱۳۸۸). جنس دوم، ترجمه: قاسم صنعوی، تهران: توس.
- دوسرسی، کنت. (۱۳۶۲). ایران در ۱۸۳۹-۴۰ (۱۲۵۵-۵۶ ه.ق). ترجمه احسان اشراقی، تهران: نشر دانشگاهی.

دوگبینو، ژوزف آرتور. (۱۳۸۳). سه سال در آسیا: سفرنامه کنت دو گوپینو (۱۸۵۸-۱۸۵۵)، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: قطره.

ذکاء، یحیی. (۱۳۳۶). لباس زنان ایرانی از سده هجدهم تا امروز، تهران: اداره موزه ها و فرهنگ عامه. رنه دالمانی، هانری. (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا خوزستان، ترجمه: محمدعلی همایون فره وشی، تهران: امیر کبیر.

رایس، کولیور. (۱۳۸۳). زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان، ترجمه: اسدالله آزاد، تهران: کتابدار. راسل، برتراند. (۱۹۲۹). زناشویی و اخلاق، ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران: کاویان. زاهد زاهدانی، سید سعید، موسوی، زهرا، روحانی، علی. (۱۳۸۹). بررسی کنش های جمعی زنان ایرانی (مطالعه موردی: زنان در دوره قاجار، سال ۷، ش ۲۳، ص ۵۷-۹۴). سادات شفیعی، سمیه. (۱۴۰۲). مطالعه جنسیتی باورهای عامیانه در عصر قاجار، گردآوری از کتاب: تاریخ اجتماعی زنان در عصر قاجار، سمیه سادات شفیعی، تهران: ثالث. سادات شفیعی، سمیه. (۱۳۹۳). نگاهی جامعه شناختی به فراغت زنان در دوران قاجار، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۶۶، ص ۲۴۸-۲۰۲.

سرنا، کارلا. (۱۳۶۲). آدم ها و آیین ها در ایران، ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران: زوار. شاردن، ژان. (۱۳۷۴). سفرنامه، اقبال یغمایی، جلد دوم، تهران: انتشارات طوس. شهشپانی، سهیلا. (۱۳۷۴). تاریخچه ی پوشش سر در ایران، تهران: انتشارات مدبر. شیخ شاعی، فهمیه. (۱۳۹۶). جایگاه حجاب در ایران باستان و تقویت فرهنگی، فصلنامه فرهنگ مردم ایران، ش ۴۸-۴۹، ص ۱۱-۳۴.

شوستر، مورگان. (۱۳۳۸). اختناق ایرانیان، ترجمه: اسماعیل رائین، تهران: صفی علیشاه. شیل، مری. (۱۳۶۲). خاطرات لیدی شیل همسر وزیر مختار انگلیس، ترجمه: حسین ابوتراییان، تهران: نشر نو. غیبی، مهرآسا، هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ۱۳۸۵، تهران: انتشارات هیرمند. غیبی، مهرسا. (۱۳۸۵). ۳۵۰۰ سال تاریخ زیورآلات اقوام ایرانی، تهران: هیرمند. حسن نیا، ناظم. (۱۳۹۲). زنان دربار قاجار و مطالبات اقتصادی و اجتماعی با تاکید بر اسناد، پیام بهارستان، د ۲، سال ۶، ش ۲۲، ص ۲۶۳-۲۲۰.

حسین زاوه، فهمیه؛ زنجان زاده. (۱۳۹۹). الگوهای نام گذاری زنان در ادبیات مکتب خانه ای عصر قاجار؛ پژوهشی در تاریخ اجتماعی ادبیات عامه در ایران، تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱۰-۱، ش ۱، ص ۱۴۹-۱۷۲.

حسینی فر، سیده زهرا، سادات شفیعی، سمیه. (۱۴۰۰). ارزش های زنان در آغاز عصر مدرن شدن در ایران تحلیل نشانه شناسانه بر عناوین اولین مدارس زنانه، تهران: نشر ثالث.

علم، محمدرضا، دیناری، سکینه. (۱۳۹۸). بررسی نوع پوشش و حجاب زنان در دوره قاجار با نگاهی به آثار سیاحان خارجی این دوره (از پادشاهی آقا محمدخان تا دوران مظفرالدین شاه)، فصلنامه تاریخ، سال ۱۴، ش ۵۴، ص ۷۹-۹۸.

فره وشی، بهرام. (۱۳۹۱). فرهنگ واژه نامه فارسی میانه (پهلوی)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. فاضلیان، پوراندخت. (۱۳۸۹). بررسی رابطه نوع حجاب و میزان امتیاز اجتماعی در بین زنان شهر تهران، پژوهش نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، ش ۲، ص ۸۶-۶۵.

فرهنگ واژه نامه فارسی میانه (پهلوی)، انتشارات دانشگاه تهران. کرزن، جرج. (۱۳۴۷). ایران و مسئله ایران، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: ابن سینا. کسروی، احمد. (۱۳۶۳/۱۹۸۴). تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، تهران: امیرکبیر.

کولیور ریس، کلارا. (۱۳۷۰). زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان، ترجمه: اسدالله آزاد، تهران: آستان قدس. کدیور، پریسا. (۱۳۹۶). پرده نشینان عهد ناصری، تهران: گل آذین.

مهرآبادی، میترا. (۱۳۷۹). زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی، تهران: آفرینش. مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۴). شرح زندگانی من یا تاریخ اداری و اجتماعی دوره قاجار، تهران: زوار.

محمدی، حسین، رضوانی خراشاد، هما، باغانی، فرحناز. (۱۳۹۹). بررسی زمینه ها و عوامل موثر بر تغییر پوشش ایرانیان در عصر قاجار، تاریخ نامه خوارزمی، سال ۷، ش ۳۰، ص ۵۸-۴۵.

مستوفی، عبدالله. (۱۳۶۰). شرح زندگانی من، تهران: زوار. معیر الممالک، دوستعلی. (۱۳۹۰). یادداشت هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه، تهران: تاریخ ایران. مذاکرات

مستر همفر. الجاسوس البريطاني فی البلاد الاسلامیه . الدكتور ج ، خ . ماسهارو، یوشیدا. (۱۳۷۳). سفرنامه، ترجمه: هاشم رجب زاده، مشهد: آستان قدس.

ویلز (۱۳۶۸). ایران در یک قرن پیش، ترجمه: غلام حسین قرگوزلو، تهران: اقبال. یارشاطر، احسان. (۱۳۸۲). پوشاک در ایران زمین، تهران: امیرکبیر. همدانی، میرزا محمدعلی خان. (۱۳۵۴).

خاطرات فرید، تهران: زوار.

Diba and Ekhtiar and others (1998). Royal Persian Painting (The Qajar Epoch 1785-1925), Brooklyn Museum of Art, New York.

<https://www.bonhams.com>

<https://wellcomecollection.org>

<https://www.britishmuseum.org>

<http://fararu.com/fa/news>

www.bonhams.com

www.chiswickauctions.co.uk

www.iranicaonline.org

<https://silo.tips.com>

www.qajarwomen.org

References:

Akhte, Qasem. (2007). Forohar Monthly, pp. 429-430, p. 41.

- League (Nizam Mafi), Mansoura. (1988) Women in Qajar society, Kalk, vol. 55-56. pp. 27-50.
- Olivier, (1992). Travelogue of Olivier, translated by: Mohammad Taher Mirza and Gholamreza Varham, Tehran: Information.
- Union, Mansoura. (2009). Women who wore a hood under the mask, Tehran: Tarikh Iran Publishing House.
- Ursel, Ernest. (1974). Ursel's travelogue, translated by: Ali Asghar Saeedi, Tehran: Zovar.
- Abazari, Mana, Tayeb, Habibullah. (2016). A comparative study of Qajar women's clothing before and after Naser al-Din Shah's trip to Farang (case study: traditional and modern women's clothing), Art Research Magazine, year 7, vol. 13, pp. 15-30.
- Brogash, Henrish. (1989). A trip to the court of Sultan Sahibqarani, translated by: Mohammad Hossein Kordbcheh.
- Beheshti Sarasht, Mohsen, Parvish, Mohsen. (2014). Investigating the social and cultural demands of women in the Qajar press with an emphasis on the women's magazine, Women in Culture and Art, Volume 7, Volume 3, pp. 327-341.
- Benjamin, Samuel. (1984). Iran and Iranians in the era of Naser al-Din Shah, memoirs of the first ambassador of the United States of America to Iran, translated by: Mohammad Hossein Kordbcheh, Tehran: Javidan.
- Benjamin, Samuel Green Wills. (1363). Iran and Iranians, Benjamin's memoirs and travelogue, Tehran: Aftab.
- Parsa, Tayyaba. (1998). Covering women in history, Qom: Ahsan al-Hadith.
- Tawana, Murad Ali. (2004). Women in Iran's Contemporary History, Tehran: Zeitoun Leaf.
- Diolafova, John. (1982). Deulafova's travelogue, translated by Homayoun, Tehran: Khayyam.
- Durant, Williams. (1997). History of Civilization, first volume, Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Derville, Gaspar. (1969). Darville's travelogue, translated by Javad Mohebi, Tehran: Gutenberg.
- Dalmani, Henry Rene. (1999). From Khorasan to Bakhtiari, translated by Gholamreza Saeedi, Tehran: Tavus.
- Delrich, Bushra. (1997). Women in the Qajar Period, Department of Religious Studies, Art.
- Dubois, Simon. (2008). Gen 2, translated by Qasim Sanavi, Tehran: Tos.
- Dosursi, Kenneth. (1362). Iran in 1839-40 (1255-56 AH). Translated by Ehsan Eshraqiv, Tehran: University Press.
- Dogbino, Joseph Arthur. (2013). Three years in Asia: Comte de Gobineau's travelogue (1855-1858), translated by Abdolreza Hoshang Mahdavi, Tehran: Qatr.
- Zaka, Yahya. (1957). Iranian women's clothing from the 18th century to today, Tehran: Department of Museums and Popular Culture.
- Rene Dalmani, Henry. (1335). A travelogue from Khorasan to Khuzestan, translated by Mohammad Ali Homayoun Fareh Vashi, Tehran: Amir Kabir.
- Rice, Colliver. (2013). Iranian women and their way of life, translated by Asadullah Azad, Tehran: Ketabdar.
- Russell, Bertrand. (1929). Marriage and ethics, translated by Ebrahim Yuns, Tehran: Kavian.
- Zahid Zahidani, Seyed Saeed, Mousavi, Zahra, Rouhani, Ali. (2010). Investigating the collective actions of Iranian women (case study: women in the Qajar period, year 7, vol. 23, pp. 57-94.
- Sadat Shafi'i, Samia. (2023). Gender study of popular beliefs in the Qajar era, compiled from the book: Social history of women in the Qajar era, Samia Sadat Shafii, Tehran: III.
- Sadat Shafi'i, Samia. (2013). A sociological look at women's leisure during the Qajar era, Social Sciences Quarterly, Vol. 66, pp. 202-248.

- Serena, Carla. (1983). *People and Rituals in Iran*, translated by: Ali Asghar Saeedi, Tehran: Zovar.
- Chardin, Jean. (1995). *Travel book, Iqbal Yaghmai, Volume II*, Tehran: Tos Publications.
- Shahshahani, Soheila. (1995). *History of head covering in Iran*, Tehran: Modbar Publications.
- Sheikh Sha'i, Fahmia. (2016). The position of the hijab in ancient Iran and its cultural enhancement, *Iranian People's Culture Quarterly*, Vol. 48-49, pp. 11-34.
- Schuster, Morgan. (1989). *Asphyxiation of the Iranians*, translated by Ismail Rain, Tehran: Safi Alisha.
- Sheil, Mary. (1983). *Memoirs of Lady Shail, the wife of British minister Mukhtar*, translated by: Hossein Abu Torabian, Tehran: New Press.
- Ghaibi, Mehrassa. (1985). *Eight thousand years of history of clothing of Iranian peoples*, 1385, Tehran, Hirmand Publications.
- Ghaibi, Mehra. (2006). *35,000 years of history of ornaments of Iranian peoples*, Tehran: Hirmand.
- Hassan Nia, moderator. (2012). Qajar court women and economic and social demands with an emphasis on documents, *Payam Baharestan*, D2, year 6, p. 22, pp. 220-263.
- Hossein Zaveh, Fahima; Zanzanizadeh. (2019) Naming patterns of women in the literature of the Qajar era home school; A research on the social history of popular literature in Iran, *Social History Research*, Research Institute of Humanities and Cultural Studies, Year 10-1, pp. 172-149.
- Hosseinifar, Seyedah Zahra, Sadat Shafiei, Samiya. (2021). *The values of women at the beginning of the modernization era in Iran, a semiotic analysis of the titles of the first women's schools*, Tehran: Third Edition.
- Alam, Mohammadreza, Dinari, Sakineh. (2018). Investigating the type of women's clothing and hijab in the Qajar period with a look at the works of foreign travelers of this period (from the reign of Agha Mohammad Khan to the era of Muzaffar al-Din Shah), *Tarikh Quarterly*, year 14, vol. 54, pp. 79-98.
- Farah Vashi, Bahram. (2011). *Dictionary of Middle Persian (Pahlavi)*, Tehran: Tehran University Press.
- Fazlian, Purandakht. (2009). Investigating the relationship between the type of hijab and the level of social security among women in Tehran, *Women's Research Paper*, Institute of Humanities and Cultural Studies, 1st year, Vol. 2, pp. 65-86.
- Dictionary of Middle Persian (Pahlavi)*, Tehran University Press.
- Curzon, George. (1968). *Iran and the problem of Iran*, translated by Ali Javaher Kalam, Tehran: Ibn Sina.
- Kasravi, Ahmed (1984/1363). *Iran's Constitutional History, Volume 1*, Tehran: Amir Kabir.
- Hassan Nia, moderator. (2012). Qajar court women and economic and social demands with an emphasis on documents, *Payam Baharestan*, D2, year 6, p. 22, pp. 220-263.
- Hossein Zaveh, Fahima; Zanzanizadeh. (2019) Naming patterns of women in the literature of the Qajar era home school; A research on the social history of popular literature in Iran, *Social History Research*, Research Institute of Humanities and Cultural Studies, Year 10-1, pp. 172-149.
- Hosseinifar, Seyedah Zahra, Sadat Shafiei, Samiya. (2021). *The values of women at the beginning of the modernization era in Iran, a semiotic analysis of the titles of the first women's schools*, Tehran: Third Edition.
- Alam, Mohammadreza, Dinari, Sakineh. (2018). Investigating the type of women's clothing and hijab in the Qajar period with a look at the works of foreign travelers of this period (from the reign of Agha Mohammad Khan to the era of Muzaffar al-Din Shah), *Tarikh Quarterly*, year 14, vol. 54, pp. 79-98.

- Farah Vashi, Bahram. (2011). Dictionary of Middle Persian (Pahlavi), Tehran: Tehran University Press.
- Fazlian, Purandakht. (2009). Investigating the relationship between the type of hijab and the level of social security among women in Tehran, Women's Research Paper, Institute of Humanities and Cultural Studies, 1st year, Vol. 2, pp. 65-86.
- Dictionary of Middle Persian (Pahlavi), Tehran University Press.
- Curzon, George. (1968). Iran and the problem of Iran, translated by Ali Javaher Kalam, Tehran: Ibn Sina.
- Kasravi, Ahmed (1984/1363). Iran's Constitutional History, Volume 1, Tehran: Amir Kabir.
- Diba and Ekhtiar and others (1998). Royal Persian Painting (The Qajar Epoch 1785-1925), Brooklyn Museum of Art, New York.
- <https://www.bonhams.com>
- <https://wellcomecollection.org>
- <https://www.britishmuseum.org>
- <http://fararu.com/fa/news>

